

در زمینه ازدواج و فرزندآوری به مرز بحران رسیده‌ایم / قطار از ریل خارج شده را به مسیر بازگردانیم

یک پژوهشگر حوزه علوم اجتماعی تأکید کرد: در خصوص کاهش ازدواج و فرزندآوری و همینطور افزایش طلاق، می‌توانیم بگوئیم...



یک پژوهشگر حوزه علوم اجتماعی تأکید کرد: در خصوص کاهش ازدواج و فرزندآوری و همینطور افزایش طلاق، می‌توانیم بگوئیم به مرز بحران رسیده ایم، اما هنوز زمان داریم که این قطاری که از ریل خارج شده است را دوباره به مسیر اصلی بازگردانیم. سیاه نمایی در این زمینه کار اشتباهی است و می‌توانیم با قانع کردن افکار عمومی و ارائه راهکارهای درست، این روند را اصلاح کنیم.

به گزارش ایسنا، نشست تخصصی "افکار عمومی و سیاست‌های ازدواج و فرزندآوری در ایران" به همراه ارائه آخرین اطلاعات و یافته‌های نظرسنجی‌های اخیر مرکز افکارسنجی دانشجویان ایران (ایسپا) در این حوزه برگزار شد. در ابتدای این نشست، حدیث میرزامحمدی، از پژوهشگران مرکز افکارسنجی دانشجویان ایران (ایسپا)، خلاصه‌ای از نتایج چند نظرسنجی این مرکز در خصوص بحث ازدواج و فرزندآوری از جمله تصمیم جوانان برای ازدواج در آینده؛ سن مطلوب ازدواج از نظر جوانان مجرد؛ دلایل عدم ازدواج؛ مهم‌ترین عامل در ازدواج موفق از نظر جوانان مجرد؛ تأثیر داشتن فرزند در خوشبختی زوجین را ارائه کرد.

نتایج یک نظرسنجی درخصوص "دلایل عدم ازدواج" نشان می‌دهد، نیافتن همسر دلخواه؛ ترس از ازدواج ناموفق؛ بی‌اعتمادی به جنس مخالف؛ مردد بودن در تصمیم‌گیری؛ بالا بودن هزینه زندگی مشترک؛ نداشتن انگیزه عاطفی لازم، اصلی‌ترین دلایلی است که خانم‌ها برای عدم ازدواج مطرح کرده‌اند که این نتایج نشان می‌دهد، جنس دلایل دختران برای عدم ازدواج چندان جنبه اقتصادی ندارد. از سوی دیگر، بالا بودن هزینه‌های زندگی مشترک؛ نداشتن شغل؛ نیافتن همسر دلخواه؛ بالا بودن هزینه تشریفات ازدواج؛ ترس از ازدواج ناموفق، اصلی‌ترین دلایل آقایان برای عدم ازدواج است و در مقابل، برای مردان، جنس دغدغه‌ها بیشتر از نوع اقتصادی است.

نتایج نظرسنجی دیگری که در دی ماه ۱۴۰۰ درخصوص اثر "داشتن فرزند بر خوشبختی زوجین" انجام شد، نشان می‌دهد که در مجموع ۶۸.۴ درصد پاسخگویان معتقدند که داشتن فرزند باعث خوشبختی زوجین می‌شود. براساس نتایج این نظرسنجی، مردان بیشتر از زنان معتقدند که داشتن فرزند باعث خوشبختی زوجین می‌شود؛ به طوری که ۷۲.۶ درصد مردان و ۶۴.۳ درصد زنان، داشتن فرزند را باعث خوشبختی زوجین می‌دانند.

در زمینه ازدواج و فرزندآوری به مرز بحران رسیده ایم / قطار از ریل خارج شده را به مسیر بازگردانیم

همچنین با افزایش سن، درصد موافقان با این مسئله افزایش پیدا می‌کند؛ براین اساس، ۶۲.۶ درصد جوانان ۱۸-۲۹ سال معتقدند که داشتن فرزند باعث خوشبختی زوجین می‌شود. این میزان در گروه سنی ۳۰-۴۹ سال ۶۹.۳ درصد و در گروه سنی بالای ۵۰ سال به ۷۲.۸ درصد می‌رسد.

همچنین در نظرسنجی دی ماه ۱۴۰۰ از افراد سوال شد که چه تعداد فرزند را برای یک خانواده مناسب می‌دانند؟ نتایج به دست آمده نشان می‌دهد، ۳۲.۷ درصد پاسخگویان با ۲ فرزند، ۲۰.۷ درصد با یک فرزند، ۱۶ درصد با ۳ فرزند، ۱۲ درصد با هیچ فرزند، ۱۱.۶ درصد با ۴ فرزند و ۵.۶ درصد با ۵ فرزند و بیشتر موافق هستند.

در ادامه این نشست، دکتر محمدمهدی لیبی، استاد دانشگاه و پژوهشگر حوزه علوم اجتماعی، به بررسی نتایج بدست آمده در این نظرسنجی‌ها پرداخت. دکتر لیبی با اشاره به اعتبار نتایج نظرسنجی‌های ایسپا تأکید کرد: اعتباری که ایسپا بدست آورده است، بدلیل دقتی است که در جمع‌آوری اطلاعات و طراحی مناسب سؤال‌ها داشته است. این مرکز در انجام نظرسنجی‌ها، جهت‌گیری خاصی نداشته و واقعیت را همانطور که هست؛ خوب یا بد؛ منتشر می‌کند.

وی افزود: نتایج نظرسنجی‌های ایسپا درخصوص ازدواج و فرزندآوری، حرف‌های زیادی برای گفتن دارند؛ عددهایی که در این نظرسنجی‌ها بدست آمده‌اند، دنیایی از مطالب ارزشمند را در اختیار پژوهشگران قرار داده و نشان می‌دهد که در کجاها اشتباه داشته ایم و چه راهکارهایی را (برای حل مشکلات موجود) باید اتخاذ کنیم. پژوهشگر و متخصص علوم اجتماعی نباید به نتایج این نظرسنجی‌ها فقط به شکل یک سری اعداد و ارقام نگاه کند، بلکه باید تحولات را به دقت بررسی کند تا بتواند راهکار مناسبی ارائه کند.

پژوهشگر حوزه علوم اجتماعی تأکید کرد: در عصر کنونی، بحث مقبولیت و مشروعیت ازدواج (در جوامع مختلف) به دلیل برخی شرایط، تغییر پیدا کرده است. هنوز در جامعه خودمان با بحث ازدواج اجباری روبرو هستیم که شیوع اندک آن هم می تواند خطرناک باشد. بحث چندمهمسری در برخی مناطق و رسومات دیگری هم مطرح هستند که جای بحث دارند؛ اما بحث اصلی ازدواج رسمی است که دربرگیرنده عموم جامعه است و می توانیم بگوئیم که ازدواج کم شده است و این موضوع یک بحران است.

وی افزود: در خصوص کاهش ازدواج و فرزندآوری و همینطور افزایش طلاق، می توانیم بگوئیم به مرز بحران رسیده ایم، اما هنوز زمان داریم که این قطاری که از ریل خارج شده است را دوباره به مسیر اصلی بازگردانیم. سیاه نمایی در این زمینه کار اشتباهی است. می توانیم با قانع کردن افکار عمومی و ارائه راهکارهای درست، این روند را اصلاح کنیم.

دکتر لبیبی خاطر نشان کرد: باید به این نکته مهم توجه داشته باشیم که نرخ ازدواج در دنیا یک روند کاهشی دارد و این پدیده در همه نقاط جهان &ndash؛ آمریکا، اروپا، آسیا &ndash؛ وجود دارد، اما به عنوان مثال شیب کاهشی ازدواج در ایران زیاد شده است که جای بحث دارد. عموماً افکار عمومی بحث عدم ازدواج را به مسائل اقتصادی مانند بیکاری، نداشتن شغل مناسب، مشکلات اقتصادی پیوند می زنند. اما آیا واقعاً همه مسائل اقتصادی است؟ چرا در منطقه ۲ تهران که از لحاظ شرایط اقتصادی افراد در وضعیت مطلوبی قرار دارند هم با کاهش ازدواج روبرو هستیم؟ اگرچه مسائل اقتصادی حتماً باید مورد توجه جدی قرار بگیرد، اما نمی توان گفت صرفاً مسائل اقتصادی دخیل است و در این زمینه باید روی افکار عمومی کار کرد.

وی تأکید کرد: در عین حال باید بحث ازدواج را در چارچوب نظریه ها و نه براساس سلاقی، تحلیل کنیم. به عنوان مثال براساس یکی از نظریه ها، ازدواج پایدار باید دارای ۳ ضلع عشق و صمیمیت، تعهد و وفاداری، روابط جنسی درست زوجین باشد. اگر عشق و صمیمیت دو طرفه وجود نداشته باشد، ازدواج به جدایی ختم می شود و نباید کسی را به زور وادار به ازدواج کرد. از سوی دیگر اگر تعهد و وفاداری از سوی زوجین نباشد، ازدواج قطعاً دوامی نخواهد داشت. موضوع روابط جنسی درست زوجین هم موضوعی است که تا حدودی تابو است و بسیاری از خانم ها از گفتن آن خجالت می کشند. باید به این موضوع به درستی پرداخته شود، زیرا مسئله تأثیرگذاری در زندگی و جدایی زوجین است.

آیا رشد جمعیتی دهه ۶۰ اتفاق بدی بود؟

این استاد دانشگاه با اشاره به رشد شدید جمعیت در دهه ۶۰ شمسی گفت: در دهه ۶۰ با افزایش نرخ تولد یا به اصطلاح babyboom مواجه بودیم. اما آیا در این دهه اتفاق بدی افتاد؟ طبیعی است که افراد در آن دوران (زمان جنگ) به نوعی احساس خطر می کردند (که شاید عزیزان خود را بدلیل شرایط جنگ از دست بدهند) و تمایل داشتند تعداد فرزند بیشتری داشته باشند. این حماقت افراد در دهه ۶۰ نبود، بلکه هوشمندی آنها را نشان می داد. هیچ نسلی به اندازه نسل دهه ۶۰ مظلوم نیستند؛ نسلی که هیچ تقصیری در مشکلاتی که بوجود آمد، نداشتند.

خودمان ترویج دهنده طلاق و کاهش فرزندان در جامعه بودیم

دکتر لبیبی افزود: بعد از آن (از اواخر دهه ۶۰) در دانشگاه ها تبلیغ کردند که جمعیت ایران در سال ۱۴۰۰، یعنی همین سالی که در آن قرار داریم، به بیش از ۱۲۰ میلیون نفر خواهد رسید! اسناد این موضوعات هم موجود است و شروع به تشویق عقیم سازی رایگان کردند و در این زمینه، کارهای فرهنگی بسیار قوی صورت گرفت. از سوی دیگر طلاق هم به نوعی ترویج داده و بسیار عنوان میشد که اگر زنی در زندگی مشکل دارد، نباید هر شرایطی را تحمل کند و می تواند طلاق بگیرد. بحث طلاق در غرب اولویت آخر بود، اما در ایران تبدیل به اولویت اول شد و ترویج داده شد که اگر زن در زندگی مشکل دارد، مهریه اش را اجرا بگذارد و سریع طلاق بگیرد تا به اصطلاح از این شرایط آزاد شود.

وی تأکید کرد: ما خودمان ترویج دهنده این باور در جامعه بودیم. خودمان روی بحث فرزندآوری، کار (فرهنگی منفی) انجام دادیم و گفتیم که فرزندان، آزادی ما را سلب می کنند و هزینه زیادی به خانواده تحمیل می کنند و ... کلی از معایب فرزند گفتیم، اما هیچوقت مزایای آن را نگفتیم؛ از خوشحالی و لذت بزرگ کردن فرزند، از لذت راه رفتن و صحبت کردن فرزند، از شادی که برای خانواده بوجود می آورد، هیچوقت صحبت نکردیم. باید همه مزایا و معایب فرزندآوری را در کفه ترازو بگذاریم و عادلانه آنها را بسنجیم.

جایگاه مهم مادری زنان را نادیده گرفتیم

این استاد دانشگاه با اشاره به تشویق زنان برای ادامه تحصیل در دانشگاه‌ها گفت: زنان را تشویق به ادامه تحصیل کردیم. تحصیلات قطعاً خوب است، اما با این شرایط آنها کمتر به فکر ازدواج بودند. زمینه اشتغال زنان را فراهم کردیم، اما کاری نکردیم که بتوانند زودتر از سر کار به خانه رفته و به خانه و خانواده‌شان برسند. آیا همه این کارها و سیاست‌ها به معنی حمایت از خانه و خانواده است؟ این سیاست اشتباهی است که خودمان انتخاب کردیم. ارزش زن را به داشتن تحصیلات بالا، موقعیت شغلی خوب و حضور در عرصه اجتماعی خلاصه کردیم، اما نقش مهم مادری‌اش را نادیده گرفتیم. اینطور ترویج دادیم که مگر زن فقط برای فرزندآوری (خلق شده) است! جایگاه مهم مادری زنان را نادیده گرفتیم. خودمان این نقش مهم را کم‌رنگ کردیم و این فرهنگ غلط را در جامعه جا انداختیم و حالا می‌پرسیم چرا شرایط اینطور شده است!

فرهنگ اسلامی و فرهنگ ایرانی مشوق ازدواج و فرزندآوری است

دکتر لبیبی افزود: کشور ما تحت تأثیر فرهنگ اسلامی، فرهنگ ایرانی و فرهنگ غربی است؛ یعنی ترکیبی از این ۳ فرهنگ را داریم؛ اما در بحث ازدواج فرهنگ غربی در جامعه قالب شد. فرهنگ اسلامی و فرهنگ ایرانی هر دو حامی و مشوق ازدواج و فرزندآوری هستند، اما در این زمینه فرهنگ غربی قالب شد. اینقدر خودمان ازدواج و فرزندآوری را در دهه ۶۰ و ۷۰ و ۸۰ کوییدیم که نتیجه‌اش شرایط امروزی جامعه شد. برگشت به شرایط قبل بسیار دشوار است، اما معتقدم این کار شدنی است. در این مسیر نیازمند سیاست‌گذاری درست، داشتن طرح برای اجرا کردن این سیاست‌ها و در مرحله بعد، برنامه مناسب برای رسیدن به سیاست‌های تعیین شده هستیم.

وی تأکید کرد: آماری که مطرح شد، اصلاً ناامیدکننده نیست؛ همین که ۶۰ درصد جوانان ازدواج را یک ضرورت می‌دانند، بسیار مسئله خوبی است؛ یعنی نمی‌خواهند راه‌های دیگر را بروند. چرا فکر می‌کنیم که چاه افتاده ایم و دیگر کاری نمی‌توان انجام داد؟ باید به جوانان یاد بدهیم که مسیر زندگی تقسیم‌بندی طولی ندارد. باید همه کارها را همزمان با هم پیش برده و اداره کنیم؛ باید همزمان با درس خواندن، ازدواج کنیم؛ همزمان با کار کردن، صاحب فرزند شویم. نباید زندگی را مقطع‌بندی کنیم.

تک‌فرزندی بیشتر مخصوص ایران است

پژوهشگر حوزه علوم اجتماعی درخصوص بحث فرزندآوری گفت: بحث تک‌فرزندی در ایران خیلی زیادی است و در کشورهای دیگر یا فرزند ندارند یا سه، چهار فرزند دارند. البته نتایج نظرسنجی‌هایی که عنوان شد نشان می‌دهد مردم هنوز دو فرزند و بیشتر را ترجیح می‌دهند و فرزند را باعث خوشبختی می‌دانند. همه این آمارها، نکات خوب و امیدوارکننده‌ای هستند.

تشویق به ازدواج و فرزندآوری با چاپ بئر؟؟

دکتر لبیبی درخصوص راهکارهای برون‌رفت از مشکلات موجود گفت: اقناع افکار عمومی بسیار مهم است و تا فردی را به درستی قانع نکنید، نه ازدواج می‌کند و نه صاحب فرزند می‌شود. این مسئله با دستور یا پخش چند سریال و چاپ بئر در سطح شهر حل نمی‌شود. باید فرد قانع شود که فرزند که شاید امروز مشکلات و سختی‌هایی در مسیر بزرگ‌کردنش دارد، اندوخته‌ای برای آینده‌اش است. بحث دیگر برجسته‌سازی عوامل ازدواج و فرزندآوری است. باید نکات مثبت ازدواج و صاحب فرزند شدن (روحیه بخشی به والدین، حس شادمانی و سرزندگی ناشی از حضور فرزندان در زندگی) را به درستی برای جوانان تشریح کنیم.

وی تأکید کرد: بحث دیگر، پیوند زدن خواسته‌های فردی به خواسته‌های جمعی است. شاید برخی بگویند که من نمی‌خواهم ازدواج کنم یا نمی‌خواهم صاحب فرزند شوم یا می‌خواهم طلاق بگیرم. باید به این نکته فکر کنیم که هرچه آمار طلاق در جامعه افزایش پیدا کند، تبعات منفی و آسیب اجتماعی آن دامن‌گیر همه خواهد شد. باید بدانیم که پدیده‌های اجتماعی، اثر پروانه‌ای دارند. کاهش ازدواج و افزایش طلاق، همه مردم را درگیر خواهد کرد؛ بنابراین برای حفظ منافع خودمان هم باید به دنبال بهتر شدن شرایط (در این زمینه) باشیم.

دکتر لبیبی با اشاره به نقش رسانه‌ها گفت: نباید به دنبال کار تبلیغاتی باشیم. رسانه‌ها باید با عقلانیت با مردم صحبت کنند تا قانع شوند. از سوی دیگر، نهادهای فعال در حوزه ازدواج و خانواده مانند NGOs، معاونت زنان و خانواده و .. باید در کنار هم قرار بگیرند و از حداکثر توان فرهنگی، اجتماعی و سیاسی خود برای متمرکز شدن روی یک موضوع و حل مشکلات استفاده کنند. همچنین کارهای تشویقی واقعاً اجرایی باشند و عمل شوند. در عین حال، برای حل مشکلات و ارائه راهکارهای مناسب، از نظریه‌های غربی استفاده کنیم، اما جامعه بومی خودمان را با مشکلات خاص خودش به درستی بشناسیم و براساس آن، راهکار عملی ارائه کنیم.